

دسیسه های پسر تهرانی و دختر مورد علاقه اش برای ۱۰۰ پیرزن تنها



می‌کردم چند روز بعد مورد که شه‌ر‌زاد با آنها صحبت کرد و با چرب‌زبانی فریبشان داد. مادر این مدت شاید به بیش از ۱۰۰ نفر که اغلب پیرزن بودند زنگ زدیم که نصف آنها فریبمان را خوردند و پول به حسابمان واریز کردند. با این پول‌ها برای شهرزاد هدایای گران‌قیمت خریدیم و مابقی را پس‌انداز کردیم تا بتوانیم خانه‌ای رهن کنیم و به خواستگاری دختر مورد علاقه‌ام بروم که همه چیز لورفت.

منهم پس از اقرار به نقشه کلاهبرداری‌های سریالی بازداشت شد و تحقیقات برای دستگیری همدمست‌وی و همچنین شناسایی سایر شاکیان احتمالی ادامه دارد.

آغاز کردند. بررسی‌ها ادامه داشت و در مدتی کوتاه چند شکایت مشابه دیگر نیز پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت که نشان می‌داد جوان شیب‌ده‌صورت سریالی دست به کلاهبرداری می‌زند. او طعمه‌های خود را از میان زنان و مردان سالخورده که فرزندشان در خارج از کشور بودند، انتخاب می‌کرد.

بعد از تماس با آنها خودش را دوست آنها معرفی کرده و پس از اجرای نمایش و به بهانه‌های مختلف دست به کلاهبرداری می‌زد. این تنها شگردهای مرد شیب‌ده‌صورت نبود و مأموران متوجه شدند که او با ترندهای دیگری نیز از طعمه‌هایش پول می‌گرفت.

ترند دیگر مرد شیب‌ده‌صورت بود که به شماره‌های مختلف زنگ می‌زد و اگر زنی مسن گوشی را برمی‌داشت با پرسیدن چند سؤال کوتاه اطلاعاتی از اعضای خانواده وی به دست می‌آورد و بعد مدعی می‌شد که یکی از اعضای خانواده به خاطر ابتلا به کرونا در خیابان افتاده و در حال رفته است و درخواست پول می‌کرد تا او را به بیمارستان انتقال بدهند. اینکه می‌گفت وی دچار سکنه قلبی شده یا تصادف کرده و یا در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار دارد و با این ترندهای عجیب از هر فرد

زندان می‌رود. نقشه‌های دختر و پسر تهرانی برای زنان سالمند شش‌اکی ادامه داد: این را که شنیدم ترسیدم و گفتم حتما پول را فراهم می‌کنم. مرد ناشناس می‌گفت که فقط تا پایان وقت اداری فرصت دارد تا از طریق سفارت پول را تبدیل به دلار کند.

از طرفی پسر هم موبایلش را جواب نمی‌داد و آنلاین هم نبود و به همین دلیل پول را به حسابی که جوان ناشناس گفته بود واریز کردم تا هر چه زودتر به دست او برسد و پسرم آزاد شود. اما روز بعد که برای پیگیری موضوع به سفارت کانادا رفتم مشخص شد که پسرم اصلاً زندان نبوده و ماجرای دروغی بیش نبوده است.

پسرم سرگرم اسباب‌کشی بوده و خانه‌اش را عوض کرده بود و به همین دلیل صدای زنگ موبایلش را شنیده بود. آنجا بود که فهمیدم به دام یک کلاهبردار افتاده‌ام و پسرم از من خواست تا ماجرای این کلاهبرداری را به پلیس گزارش کنم.

با این شکایت، پرونده‌ای در شعبه چهارم دادیاری باندسرای ویژه سرعت تشکیل شد و گروهی از مأموران اداره آگاهی تهران تحقیقات خود را برای یافتن مرد شیب‌ده‌صورت آغاز کردند.

او در توضیح ماجرا گفت: پسر من سال‌هاست که در کانادا زندگی می‌کند. چند روز قبل پسری جوان به خانم زنگ زد و خودش را دوست پسرم جازد. او گفت پسرم در جریان یک درگیری توسط پلیس کانادا دستگیر و زندانی شده است. جوان ناشناس مدعی شد که پسرم از او خواسته به من زنگ بزند تا برایش پول بفرستم. می‌گفت پلیس کانادا او را به جریمه نقدی محکوم کرده است و اگر ایس‌پول را جور نکند، به

خواستگار فریبکار، زندانی محکوم به قصاص بود

حقایق را بازگو کرد به شدت وحشت کردم. او را در فضای مجازی بلاک کردم تا بر احمیت ایجاد نکند. اما او دست بردار نبود. پیامی فرستاد و تهدید کرد که اگر ارتباط را با او قطع کنم جانم را می‌گیرد. می‌گفت بیرون‌از زندان، افرادی دارد که اگر از آنها بخواهد مرا با ماشین زیر می‌کوبد و مرگم را تصادف جلوه می‌دهند. تهدید کرد که یک‌بار دست به آمکشی زده و برایش خیلی راحت است تا مرا هم به قتل برساند.

آرزو ادامه داد: چند روز بعد از این تهدیدها متوجه شدم فردی مرا زیر نظر دارد و تعقیب می‌کند. او همان آمککش اجبر شده بود که قصد داشت با ماشین مرا زیر بگیرد اما من هوشیار بودم و متوجه شدم هدفش ترساندن و زهر چشم گرفتن بود و می‌خواست به من نشان بدهد که اگر با او همکاری نکنم به راحتی جانم را می‌گیرد. همه این تهدیدها برای این بود که من یاپول دبه‌خواستگار قلابی ام را تهیه کنم و یا نزد او لیاقت دم بروم و از آنها بخواهم که مبلغ دبه‌را کم کنند.

وی گفت: وضع مالی خانواده ام خوب است، اما جرأت نمی‌کردم به پدرم چیزی بگویم. من حتی نزد اولیای دم هم رفتم اما آنها حاضر نشدند مرا املات کنند. این در حالی بود که تهدیدهای مرد زندانی ادامه داشت و دیگر نتوانستم این وضعیت را تحمل کنم و تصمیم گرفتم با همه‌این تهدیدها از او شکایت کنم.

دختر جوان در ادامه شکایت خود گفت: وقتی مرد قاتل

و انمود می‌کرد که سرش خیلی شلوغ است. می‌گفت کارخانه دار است و باید به کارهایش رسیدگی کند. و عصبه داد که به زودی به ایران برمی‌گردد و به همراه خانواده‌اش که یکی از استان‌های جنوبی کشور زندگی می‌کنند به خواستگاری ام می‌آید.

اما همه اینها دروغ بود مدتی که گذشت متوجه رفتارهای مشکوکش شدم. می‌دانستم که حقایق را از من پنهان می‌کند. تا اینکه پی به راز او بردم. خواستگار قلابی من نه تنها مهندس و مقیم استرالیا نبود بلکه یک قاتل محکوم به قصاص بود که در یکی از زندان‌ها در حبس بود. وقتی فهمید که پی به رازش برده‌ام گفت که چند سال قبل زمانی که سر کرده یک باندها در وقت بوده در جریان سرعت از یک پلاک‌فروشی در اطراف تهران، یکی از افرادی را که در مغازه کار می‌کرد با شلیک گلوله به قتل رسانده بود. او مدتی فراری بود اما سرانجام دستگیر و در دادگاه به قصاص محکوم شده بود. حکمش در دیوان عالی کشور هم تأیید شده بود. او بر این شرح داد که تا پای چوبه‌دار هم رفته‌ام در لحظه‌های آخر زمانی که طناب دار به گردنش بوده توانسته از او لیاقت دم‌مهل‌ت بگیرد و به زندان برود.

در نهایت اولیای دم راضی شده بودند. به شرط دریافت ۴ میلیارد تومان از قصاص بگذردند و با من دوست شده بود تا برای گرفتن رضایت به او کمک کنم.

دختر جوان در ادامه شکایت خود گفت: وقتی مرد قاتل



عروس ۱۴ ساله بیوه شد

گروه حوادث- هنوز چهار ماه بیشتر از آغاز دوران نامزدی ما با جباری شدن صیغه‌محرمیت نمی‌گذشت که ناگهان نامزدم ارتباطش را با من قطع کرد و خانواده اش مدعی شدند که بر کزاری مراسم نامزدی فقط برای آشنایی بوده است و ...

دختر ۱۴ ساله در حالی که بیان می‌کرد در آغاز نوجوانی به زنی پنهان و در مانده تبدیل شده‌ام. درباره ماجرای ازدواجش به کارشناس اجتماعی کلاتری طبرسی شمالی گفت: چندسال قبل وقتی پدرم از دنیا رفت، من و برادرم زیر بار پول و بر ما درم قرار گرفتیم. خواهر بزرگم ازدواج کرده و به دنبال سر نوشت خودش رفته بود. مادر من نیز با کارگری در خانه‌های مردم مخارج زندگی ما را می‌پرداخت. با این حال من در کلاس ششم ابتدایی ترک تحصیل کردم تا به امور خانه‌بهره‌بردارم. اما من قبول نکردم و گفتم پس از آزادی از زندان، به خواستگاری اش می‌روم. وی ادامه داد: او به خاطر عشق و علاقه‌ای که به من داشت، خودش به دنبال پرونده افتاده و می‌خواست هر طور شده مبلغ دبه را تهیه کند. حتی می‌گفت با چند خیر صحبت کرده‌ام پدرش خواسته تا کمک کند. و من به زودی آزاد شوم. من نه آمککش اجبر و نه از روزی تهدید کردم. هر کاری او انجام داده به خاطر عشق و علاقه بوده است و حالاً نمی‌دانم چرا تصمیم گرفته از من شکایت کند.

با وجود انکار مرد محکوم به قصاص، پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شده و تحقیقات همچنان ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

<h3>مفقودی</h3>	<h3>خدمات</h3>	<h3>استخدام</h3>	<h3>استخدام</h3>
<p>اصل شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان به آدرس جزیره ی کیش نوبنیاد خیابان عالی قاپو ۱ پلاک ۹۴۲ طبقه اول واحد ۲ دارای شماره مسلسل ۵۰۱۱۱ دفتر ثبت منطقه به شماره ۲۹۰۵۰ املاک جزیره کیش ثبت گردیده به نام خانم معصومه ایزدی فرزند اسماعیل با کد ملی ۰۰۴۱۲۳۷۷۶۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p> <p>خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴</p>	<p>به تعدادی نیروی آشپز و کمک آشپز و سالن‌دار نیازمندیم ۰۹۳۳۷۶۹۱۵۵۰ ۰۹۱۲۰۸۰۱۴۴۶ تماس از ۷ تا ۱۱ شب</p>	<p>استخدام منشی عصر آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است . متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند . ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹</p> <p>خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>اصل سند خودروی فورد اج ۲۰۰۹ مشکی به شماره پلاک ۲۲-۱۷۶۳۷ شماره موتور ۹ba۵۷۷۳۷ شماره شاسی ۲۴fmdk۴۹c۵۹ba۵۷۷۳۷ به نام مهرداد هژبر مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p>آموزش موسیقی پیانو - آواز - سلفژ سنتور - تنبک دف (ویژه بانوان) - گیتار زیر نظر لیسانس موسیقی با ۳۰ سال سابقه تدریس و اجرای عمومی ۰۹۱۲۴۱۲۹۷۴۷</p>	<p>صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲</p>	<p>استخدام منشی صبح خانم آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹</p>

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

روزنامه